



محمدحسین دهقانی آبیانه

از هر طرف داره داره چند دسته مسوول...

«خیابان دکتر فاطمی، روزهای عجیبی را پشت سر گذاشت. ساعت هفت صبح بود، چند مسوول که احساس وظیفه کردند را دیدم. در ساختمان وزارت کشور هنوز باز نشده بود ولی خیل عظیمی از هواداران مسوولین، خیابان را بند آورده بودند. چند مسوول، توی ترافیک گیر کرده و متأسفانه معلوم نشد کجای ترافیک، گیر افتادن. از متروی نزدیک وزارت کشور نیز چند مسوول بیرون آمدند. شناسنامه‌شان را دست‌شان گرفته بودند و توجه خبرنگاران را با ادا و اطواری عجیب، جلب می‌کردند. خیابان پر از مسوول شده بود و مردم شوک بودند. از ضلع شرقی خیابان، دو نفر در حال دویدن، به صف مسوولین رسیدن و نفس‌نفس می‌زدند. خدای من! چه دیدم؟! درب وزارت کشور باز شد و چند احساس مسوولیت‌کننده، زیر دست و پا ماندند. هوادار داد می‌زدند: رای ما، رای ما، مسوول پر درد ما (دو بار).

خبرنگاران داخل ساختمان را دیدم که با دوربین‌های له شده و سر و وضع خونی بیرون آمدند. فشار مسوولین زیاد بوده و چند مسوول را با برانکارد به سمت بیرون هدایت کردند. از کوچه‌های اطراف، خیل مشتاقین خدمت، مجدد به سمت وزارت کشور روانه شدند. این بار مسوولینی که ثبت نام کردند را دیدم که... دیگر ندیدم‌شان! مسوولین جدید که احساس تکلیف کرده بودند، مانع خروج آنها شدند و کار به جاهای باریک کشیده شد. نیروهای انتظامی، دو طرف رو به خوشبخت‌ناری دعوت می‌کردند.

هوادارای کاندیداها ساکت شده بودند. فقط صدای مسوولین در گوشم هست:

– آقای فلانی! شما همونی نیستی که برای پسر کوچیکت، پستونک خارجی تهیه کردی؟ من اگر رئیس‌جمهور بشم، سیاست خارجی رو به سیاست داخلی گره می‌زنم تا...

شما کاسب تحریم هستی آقای فلانی! من به شما ثابت می‌کنم که با خوردی داخلی که موتورش رو تقویت کردید، نمی‌تونید جام قهرمانی رو به دست بیارید؛ مگر اینکه...

+ من برنامه اقتصادی دولت رو چهار دو سه یک خطی می‌چینم تا دو بال کناری به خط میانی حریف، فشار کافی رو وارد کنن. فشار زیادی بر وزارت کشور بود و هر لحظه به آن اضافه می‌شد. تیم ثبت‌نام‌کننده وزارت کشور اما تجربه را چاشنی کار کرده بود و شورای نگهبان، مثل پلیس فتا، حواسش به همه چیز بوده و هست. آنچه خواندید، خاطرات پسرکی دستفروش است که در کتاب موزها و آدما چاپ شده است. قطع این کتاب وزیری است و چهل و هشت صفحه متن بدون تصویر دارد. نویسنده این کتاب، فریبرز جاکاتیان است که دیگر اثر آن، خزعلات در پاریس، توقیف است.

احمد رفیعی وردجانی

احساس تکلیف

صبحدم با عالمی شور و نشاط چون شدم بیدار در باغ حیات رخت می‌سُتندم گویا در دلم داشتم احساس تکلیف زیات داشتم احساس اینکه بنده هم مشکلی را حل کنم در این فلات حس اینکه روی دوش بنده هست بار رفع مشکلات کائنات می‌تونم وا کنم خیلی گره چون که هستم بنده دارای سوات هست زورم هشتصد اسب بخار برق مغزم ششصد و هشتاد وات با زنم گفتم که هستم عازم ثبت نام پست رفع مشکلات گفتم: ما در مشکل خود مانده‌ایم ناگهان زد از فشار خشم قاط خواستم تا سر بچرخانم کمی گفتم: حاجی کن به حرم التغات گر توانایی به رفع مشکلی رفن کن یک مشکلی از این بساط چون کنی از خلق رفع مشکلی؟ ای به حل مشکل خود مانده مات می‌روی آنجا و بعد از ثبت نام می‌شود کارت دلیل انبساط من مُصر بودم، حریف من نشد داد بر این بحث خیلی داغ، کات بود در فکرم که در این کارزار می‌بسامم باقیات الصالحات خواستم عازم شوم ناگاه گفتم: ناشتایی خورده‌ای جانم فدات؟! ناشتایی را زدم، احساس من رفن شد با یک عدد چایی نیات

طوبی عطیعی نژاد

ده‌شنبه لیموز

انتحاری هفته
تل آویو به اشتباه پهپاد خود را سرنگون کرد. - صدتاشونو یمن میزنه یکی هم خودتون بزیند ببینید چه لذتی داره!

لاپید: نتایج تسلط بر اوضاع را از دست داده است.
- وی افزود: حتی سلوار قهوه‌ای هم دیگر پاسخگو نیست.

بن‌زور هفته
وزیر فرهنگ: زورمان به شرکت‌های هواپیمایی نمی‌رسد که نام مسافر را به فارسی درج کنند. - تر که ال‌بالو رو امتحان نکردین؟

پاتوفش شاعرما

دلنگم و با هیچکس میل سخن نیست
چون رد شده بار صلاحیت بنده

باز آی ساقیا که هواخواه خدمتم
هر چند سن و سال ز هفتاد بگذرد

ازدواج



امیر پناهی نکور

بهر و جوان را بود این احتیاج درد عمومی‌ست ندارد علاج

دین نشود کامل اگر این نبود چون آتلی خوب ولی بی کلاج

تا بدهیم امر خدا را رواج ازدوج یزدوج ازدوج

گرچه نداری دک و پُر آنچنان آیکیوت زیر چهل، قد کمان

راه روی شیک، چنان پنگوئن حیف نباشد نبود در جهان...

از تو به اندازه یک جین نتاج؟! ازدوج یزدوج ازدوج

در بی کاری برو ای نازنین کار بکن کار، نگو چیست این

بهتر از آن، رو بشو کار آفرین کار کسی کرد بگو آفرین شومیترو** اندر سخنم هاج و واج ازدوج یزدوج ازدوج

به در نکن فقط عزیزم نگاه درآمد از دریچه ناله و آه

تا به دلت خانه کند ابتهاج ازدوج یزدوج ازدوج

*نتاج: نتیجه، ثمره
**پدر علم کار آفرینی

تکلیف!

حسن هفته: حسن

نیلوفر توبدی

من، من، من، من! چگونه می‌توانید صلاحیت خودتان را تأیید کنید؟

نرم‌افزارهای مسیریاب، از جمله نرم‌افزارهای مفیدی هستند که توسط مهندسی و برنامه‌نویسان مربوط نوشته و اجرا شده‌اند. انتخاب مسیر کم‌ترافیک برای رسیدن به مقصد، یکی از فواید وجود این نرم‌افزارهاست. برای مثال اگر در هفته‌ای که گذشت، شما نقشه شهر تهران را نگاه می‌کردید، مسیرهای حوالی خیابانی که وزارت کشور در آنجا قرار دارد، لحظه‌ای از رنگ قرمز به زرد تغییر پیدا نکرده است. اگر شما این چند خط را کامل خواندید، قطعاً متوجه شده‌اید که ما راجع به نرم‌افزارهای مسیریاب صحبت نمی‌کنیم.

حس مسوولیت
یکی از نکات تربیتی که هر پدر و مادری از همان دوران نوزادی برای فرزند خود در نظر دارند، مسوولیت‌پذیری است. برای مثال پدر از کودک ۳ ساله خود توقع دارد برود در صف نان و سر راهش هم یک هندوانه بخرد و بیاورد. این کودک از همان ابتدا بار سنگین زندگی را چشیده بنابراین در چهل سالگی نمی‌تواند آرام بنشیند. او منتظر یک فرصت برای پذیرش یک مسوولیت و برداشتن هندوانه‌های بزرگ‌تر است. لذا تا می‌بیند یکجا برای یک چیزی ثبت‌نام می‌کنند، دوان دوان سمت آنجا رفته و نامش را در لیست مذکور می‌نویسد. کاری هم ندارد که لیست ثبت‌نام کاندیداها ریاست جمهوری است یا داوطلبان پاکسازی محیط زیست...



نام نیک
از قدیم گفته‌اند این دنیا چهار روز بیشتر نیست و باید طوری زندگی کنید که نام‌تان جاودان بماند. یک فرد برای جاودان کردن نامش در تاریخ، می‌تواند راه‌های زیادی را انتخاب کند. مثلاً می‌تواند شعر بگوید و شاعر شود، درس بخواند و پزشک شود، اهل فکر باشد و سیاستمدار شود یا زرنگ باشد. تفاوت این موردها با مورد آخر نیز مدت زمان طی شده و کیفیت نحوه ماندن نام است. چند گزینه اول شما باید خیلی زمان بگذارد و تلاش کنید تا نام‌تان ثبت شود اما در مورد دوم شما می‌توانید یک کار خاص بکنید. مثلاً دکترای ریاضیات محض داشته باشید و بدون دانستن ذره‌ای علم سیاست و اقتصاد، طی یک حرکت به موقع بروید و کاندیدای ریاست‌جمهوری شده و درست از همان لحظه به بعد، در تمام روزمه‌ها، توضیحات مجازی و دور از جان‌تان حتی سنگ قبرتان، این لقب را جایگزین نام‌تان کرده و آن را در تاریخ جاودان کنید.



علی زارع

فرزانه زینبی

راهکارهایی برای ازدواج آسان‌تر در برهه حساس کنونی

۱- آسان بگیرید: باور بفرمایید خیلی‌ها با حلقه‌های نقره به جای طلا زندگی‌شان را شروع کردند و زمین به آسمان نرسیده! حتی می‌توانید سایر مراسم‌ها مثل حنابندان، چهاربران و سایر بردن‌های اضافی را هم از لیست خط بزنید و از آسایش روزهای اول ازدواج لذت ببرید.

۲- فکر کنید: یک عمر راحتی و سفرهای خوش اول ازدواج بهتر است یا یک شب میهمانی همراه با استرس و چشم‌های چپ قوم و خویش؟! هر کاری هم که بکنید، دست آخر شام عروسی شما ایراداتی دارد که مسلمان نشود، کافر نبیند! پس چرا خودتان را در معرض انتقادها قرار می‌دهید؟! مگر «بفرمایید شام» است؟! **۳- باز هم آسان بگیرید:** حالا که دل‌تان یک مراسم شیرین عروسی می‌خواهد، حداقل خوب به جوانب مختلفش فکر کنید. گذاشتن دو بره بریان روی میز سلف‌سرویس،

۴- **بگردید:** قبل از عروسی، قید کفش‌های‌تان را بزنید؛ چون جست‌وجو و مقایسه اقلام جهیزیه کاری بس طاقت‌فرساست. اما برخلاف مراسم عروسی، این یکی ماندگار است پس کیفیت مناسب را انتخاب کنید. از قدیم گفته‌اند یکی مرد جنگی به از صد هزار؛ چرا گیر داده‌اید که آن خانه ۵۰ متری را تا سقف از وسیله پر کنید؟ سال‌های سال برای این کار فرصت دارید پس بیخیال شوید؛ در زیاد بودن جهیزیه هیچ فضیلتی نیست.

۵- **گفتم آسان بگیرید!** پس آسان بگیرید. در این آسانی، آرامشی هست که در انتقام هم نیست. وسط دعوای زناشویی شما، خاطرات شب عروسی پیشیزی ارزش ندارد. پس خواهرم، زندگی‌ات را سفت بچسب!

ز گریه مردم چشم نشسته در خون است چرا صلاحیت‌م رد شود؟! منم دکتر!

دیشب صدای تیشه از بیستون نیامد فرهاد گشته کاندیدا، گفته است #نه_به_چکش

مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید سوی این منصب شیرین مگسی می‌آید



طنز

حضور در سه‌چهارم جلسات برگزار شده. - سرهنگ‌تمام بازنشسته: به خاطر سابقه کار اجرایی در کلاتری هفده عشرت‌آباد و در راستای ایفای امنیت ملی و روگردن دست مفسدین اقتصادی.

- **شهردار مفتش‌آباد غربی:** به جهت دفاع نکردن از خود در برابر فساد مالی در مفتش‌آباد شرقی و محکومیت به حبس و در راستای الگوگیری از رئیس‌جمهور شهید. - **وزیر خیلی خیلی اسبق وزارت منحل:** به خاطر داشتن شرط ثبت‌نام سن زیر ۷۵ سال (یعنی ۷۴ سال و ۱۱ ماه و ۲۷ روز) و در راستای استفاده از تجارب ارزشمند پیشکسوتان.

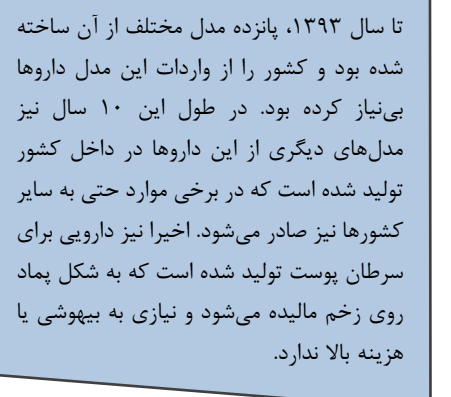
حالا شما بگویید: به نظر‌تان چرا باید حتما یک تاجر اتاق بازرگانی در انتخابات ثبت‌نام می‌کرد ولی اسمی از این عزیزان وجود نداشت؟

شما می‌توانید پاسخ خود را از طریق کیوارکد زیر یا لینک <https://survey.porsline.ir/s/HXrHQaT> برای ما ارسال کنید. دقیق‌ترین پاسخ در شماره آتی ویژه‌نامه منتشر خواهد شد.



نامه‌های اعتراضی برای جلوگیری از فراموش شدن

یادش بخیر زمان‌های قدیم یک ابهتی برای خودمان داشتیم. اسم ما رشه به تن همه می‌انداخت ولی دیگر خبری از آن روزها نیست. اولین کسی که باعث شد جایگاه ما تضعیف شود همین کرونا، این ویروس جدید بود که احترام به پیشکسوتان را یاد نگرفته بود ولی مهم‌تر از او، این پزشکان و دانشمندان هستند که هر روز یک چیز جدید کشف می‌کنند تا جلوی پیشروی ما را بگیرند. من نمی‌فهم اینها مگر قلب راکتورها را با سیمان پر نکردند؟ پس این داروهای جدید هسته‌ای را از کجا می‌آورند؟ در جای قلب راکتور الان دارند قلب ما را با سیمان پر می‌کنند و قلب بیمارها را درمان! یک زمانی بچه‌های من مثل سرطان مری، سرطان کبد و... یک حریف چغرف و بدیدن برای همه بودند ولی حالا حرف‌هامون مجهز به هیدروکسی هیپوسفونات، فانتوم گالیوم ۶۸، رادیو دارو یوبیکوسیدین، هیدروژل‌های پوشش‌دهنده زخم، ساماریوم ۱۵۳ و خیلی موارد دیگر شده‌اند. روش مقابله با هر کدام را که یاد می‌گیریم یک گزینه جدید روی میز می‌گذارند تا ما را شکست بدهند. کاش فقط به فکر خودشان بودند، این داروها را به بقیه کشورها هم صادر می‌کنند تا کار و کاسی ما در بقیه کشورها هم تعطیل شود! مگر شما تحریم نیستید؟ مگر بقیه کشورها جلوی فروش دارو به شما را نمی‌گیرند؟ پس شما هم این اخلاق که باید آدم خوب ماجرا شوید را ول کنید! بگذارید یک نیمچه ترسی از ما در ذهن آدم‌ها باقی بماند. خدا را خوش نمی‌آید ما به این وضع ببقیم. **پی‌نوشت:** یکی از کاربردهای اصلی انرژی هسته‌ای، تولید داروهای تشخیصی یا درمانی برای بیماران مبتلا به سرطان است. این مدل داروها به اصطلاح رادیودارو نامیده می‌شوند و تا سال ۱۳۹۳، پانزده مدل مختلف از آن ساخته شده بود و کشور را از واردات این مدل داروها بی‌نیاز کرده بود. در طول این ۱۰ سال نیز مدل‌های دیگری از این داروها در داخل کشور تولید شده است که در برخی موارد حتی به سایر کشورها نیز صادر می‌شود. اخیراً نیز دارویی برای سرطان پوست تولید شده است که به شکل پماد روی زخم مالیده می‌شود و نیازی به بیهوشی یا هزینه بالا ندارد.



دبیر سرویس نثر: رامین زارعی
دبیر سرویس شعر: فرشته پناهی
دبیر سرویس کارتون: سید محمدجواد طاهری
صفحه‌آرا: فاطمه احمدی

راه‌های ارتباطی:
<https://zil.link/bashgahtanz>
مجموعه رسانه‌های باشگاه طنز و کاریکاتور انقلاب اسلامی

دبیر سرویس طنز: جواد فرد محمدی
حزین لاهیجی
علی یگانه